

AMR Encino Family Center

با همکاری پر تجربه ترین پزشکان ایرانی و امریکایی

زیبایی خود را دوچندان کنید



.بزرگ کردن سینه از طرق مختلف از جمله
ناف بدون اسکار
.کوچک کردن سینه (در شرایطی بیمه
هزینه را بعهده میگیرد)
.لایپوساکشن و تامی تاک
.کشیدن صورت ، گردن و عمل بالا و پائین
چشم
عمل بینی
.تزریق کالژن و بوتاکس
کاشت مو

.بادی رپ، سوزاندن موهای زائد بدن

.برطرف کردن لکه های صورت جوش و چروکهای صورت با جدیدترین متد

Microdermabrasion

.Breast augmentation

.Collagen injection & Botax

.Breast reduction

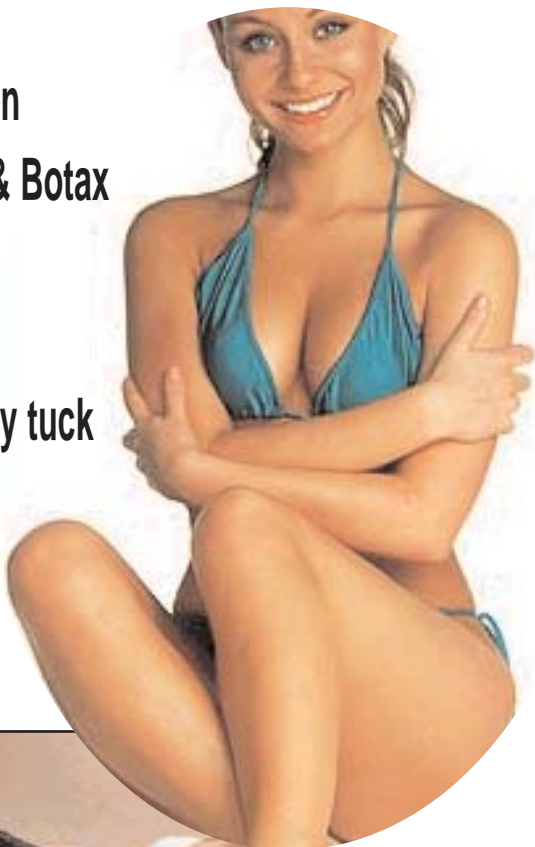
.Botox Injection

.Liposuction - tummy tuck

.Face - Neck - Eyes

.Nose improvement

.Hair Transplant



ماساژ
کامل بدن

818-905-1222

16661 VENTURA BLVD # 611 ENCINO CA 91436

آسیا که حالا نام ایشان یادم نیست مهدی مهدوی کیا را موجب افتخار آسیا خواندند و گفتند وی بهترین معرف فوتبال آسیا به مردمان اروپا است .
من به عنوان یک ایرانی به خودم می بالم



کهدی مهدوی کیا نام کشور ما را در جهان بلند آوازه ساخته است اما بنا نیست که به ایشان رای بدهم تا رئیس جمهور بشوند! و اگر هم مثل آقای آرنولد شوارتزینگر یک روزی رای آوردند و مقامی کسب کردند نه به خاطر بازی فوتبال ایشان است و حتما انگیزه های دیگری در کار است.
من وقتی از کشور ترکیه به سوئد رفتم و در واقع به طور غیر قانونی وارد سوئد شدم از من پرسیدند تو کمونیست هستی؟ مجاهدی؟ سلطنت طلب هستی؟ و یا جبهه ملی هستی و ...

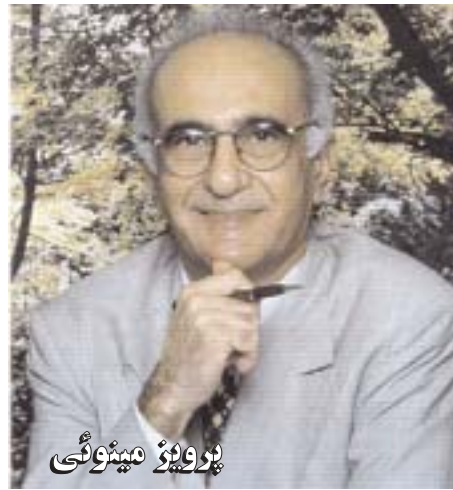
به عنوان یک انسان پناهنده با من برخورد کردند و برای من پرونده ای درست کردند تا دادگاه در مورد من داور کند اما هنگامی که جان

حزب مودرات هستم . آیا باید بروم جلوی حزب سوسیال دموکرات و دیگر حزب ها و فریاد سر دهم ننگت باد!
من که با فهم اجتماعی غلط خودم آدم در کشورم رژیم را سرکار آوردم که صدها بار بیشتر از رژیم قبلی عیب و ایراد دارد و هنگامی که میهنم برای من جهنم شد به کشورهایی آمدم که بهتر از کشور من اداره می شوند، پس چی یاد گرفتم؟

این پنج حزب سوئد و این دو حزب آمریکا که مخالف هم هستند، هنگامی که پای سود و زیان کشورشان در میان باشد متحد و پیوسته می شوند. اگر جان هر فردی در جهان در خطر باشد و در رسانه ها مطرح شده باشد گام برمی دارند. سریع تر از خود مسئول های ایرانی به یاری زلزله زدگان میهن ما شتافتند. شما فرض کنید مجاهدین زلزله زده شده اند. آیا هیچ کاری نمی کنید؟ و آیا من ، هیچ کاری نباید بکنم؟ باید اول باورهای آن ها را زیر پرسش بگذارم و سپس گامی بردارم ؟ پس کی من می خواهم از خرمهره به فیروزه تبدیل شوم ؟ پس مهاجرت کرده ام که فقط بهتر بخورم و بهتر بپوشم؟! کاش یک لحظه عظمت حرف ولتر را درک می کردم که گفت : "اگر چه با باورهای تو مخالف هستم ، اما حاضرم جانم را بدهم تا تو بتوانی حرفت را بزنی".

جوانان مجاهد در خطر قرار می گیرد انگشت می گذاریم که ها!... این ها مجاهد هستند! ما از لحاظ باور سیاسی با آن ها مخالفیم... ولی آیا به انسان بودن آن ها هم شک داریم؟ اصلا شما از کجا می دانید که مثلا حسن یا منوچهر جانان از طرف رژیم عمامه داران ضد اسلام در خطر بوده است و تنها راه زنده ماندنش پیوستن به مجاهدین بوده است و بدون آن که خودش بخواهد در این مسیر افتاده است . باز هم داستان عیسی و مریم مجدلیه است. اولین سنگ را کسی به مجاهدین پرتاب کند که خودش همان کار مریم مجدلیه را نکرده باشد! خودش در تمام عمرش هیچ اشتباه سیاسی نکرده است ! خودش فریاد الله اکبر سر نداده باشد و در تظاهرات علیه رژیم پیش شرکت نکرده باشد اصلا آمپرمتری و یا عقربه ای وجود ندارد که معلوم کند باورهای من و شما درست تر است یا باورهای دیگران؟ و به فرض آن که مجاهدین در باور سیاسی خطا رفته باشند دلیل نمی شود در نجات آن ها اقدام نکنیم و سکوت کنیم .

بینید انسان های متدمن و مردمان دموکرات جهان با صدام در بند چگونه رفتار می کنند؟ ما همه اش رویای طناب های آویخته شده به درخت های خیابان پهلوی را می بینیم ! همه بانگ سر می دهند که با صدام درست رفتار کنید! و فرصت بدهید عادلانه محاکمه شود!



خر مهره

■ می‌گویند یک مرد فقیر و گرسنه در منزل آخوندی را کوید و با صدای بلند تقاضا کرد تا به او نانی و غذائی بدهند.

آخوند در را باز کرد و اول از دین و مذهب گدا پرسید! بعد اصول دین و فروغ دین را پرسید! و بعد شروع به سوال کردن در مورد پنج تن و چهارده معصوم و دوازده امام و... و در پایان هم گفت چون دانش تو در دین و مذهب کافی نیست به تو چیزی نمی‌دهم!؟

و اما در مورد حضرت عیسی داستانی هست که حتما شنیده اید و به من لطف بکنید و یک بار دیگر هم، به آن توجه کنید.

می‌گویند حضرت عیسی از جائی رد می‌شد و دید عده ای از مردم جمع شده اند و دایره ای تشکیل داده اند و زنی در وسط است. عیسی پرسید چه شده است؟ به او گفتند این زن زناکار است و می‌خواهیم او را سنگسار کنیم. عیسی گفت: پس صبر کنید تا اولین سنگ را کسی پرتاب کند که تاکنون هیچ گناهی نکرده باشد!... و لذا سنگی پرتاب نشد و زن از سنگسار شدن معاف شد و پس از آن زن توبه کرد و مریم مجذوبه و یکی از دوستان و پیروان عیسی گردید.

مقایسه کنید آن ناخن خشکی و خسیس بودن آن آخوند مسلمان را با این بلند نظری عیسی را...

بخشی از کشورهای اروپا در آغاز جنگ جهانی دوم به تصرف نیروی‌های هیتلر در آمدند. در یکی از این کشورها فرماندهان اشغالگر دستور دادند هر کس که پیرو موسی است و یهودی است باید حتما علامت خاصی را روی لباس خود قرار دهد تا همه بدانند که او یهودی است. می‌دانید بقیه مردم آن کشور که مسیحی بودند چه کردند؟ همه آن علامت را بر لباس خود قرار دادند!... حتی پادشاه و نخست وزیر و وزیران و وکیلان... اشغالگران می‌خواستند یهودیان شناسائی شوند و مردم کاری کردند تا شناسائی نشوند! مردم طرفدار یهودیان نبودند، اما کاسب‌وار هم فکر نمی‌کردند که اینقدر پنی می‌دهم اینقدر پول می‌گیرم. مردم بر این باور بودند که هر انسانی با هر نژاد و با هر دینی حق دارد مثل دیگر شهروندان از آزادی برخوردار باشد و نمی‌توان

پیش است با زمان سازگاری ندارد و ما باید اول از گروهی کارشناسان اسلامی شجاع و چگرددار بخواهیم اسلام را بازسازی و مطابق روز کنند. امروز نمی‌توان گفت بهره حرام است. امروز بزنید و از خانه بیرون بیندازید. امروز نمی‌توان گفت با اسب‌های ورزیده به جنگ بروید. امروز نمی‌توان گفت اگر زن شوهرداری کاری کرد او را سنگسار کنید و اگر مرد زن داری کاری کرد او را باد بزنید!

کارشناسان واردی هم هستند که یا مورد خشم رژیم هستند و یا در خارج به سر می‌برند و تازه... اگر اسلام مطابق روز بازسازی شد باز هم اگر حکومت را به دست گرفت ضد دموکراسی خواهد بود زیرا جا را بر پیروان دیگر دین‌ها تنگ کرده است و به نظر من آن بخش کوچکی از کمونیست‌ها که با چوب و چماق



وارد میدان می‌شوند و جلسه برهم می‌زنند و ننگ می‌فرستند عینا مثل قمه زنان و سینه زنان عاشورا می‌مانند و چیزی از کمیته‌چی‌های رژیم کم ندارند و خانم شیرین عبادی هم از بابت این که نام ایران را بزرگ کرده اند موجب افتخار حداقل من هستند ولی این هیچ دلیلی نمی‌شود که باورهای ایشان درست برابر باورهای من باشد و یا مخ شطرنجی‌وار هر چه ایشان گفتند مورد پذیرش من باشد. اجازه بفرمائید نکته را بازتر کنم.

آقای مهدی مهدوی کیا نام ایران را در بازی فوتبال اروپا مطرح کرده اند و از سوی فدراسیون فوتبال آسیا به عنوان مرد سال آسیا برگزیده شدند و رئیس فدراسیون فوتبال

رسانه های جهانی فریاد می‌زنیم شیرین عبادی ننگت باد. شاید باور نکنید ولی حقیقت دارد. بخشی از کمونیست‌ها نتوانسته اند و یا نتوانسته اند باورهای خودشان را بر اساس پیشرفت زمان بازسازی کنند و عقربه زمان مغز آن‌ها در همان زمان دویست سال پیش اروپا متوقف شده است و هنوز مشکل آن‌ها کارگران تولیدی آلمان و انگلیس می‌باشد و به قول خانم "زویا زاکاریان" در ترانه "کیو کیو بنگ بنگ" با صدای خانم گوگوش خمار انگلس هستند

آمدند و فریاد زدند ننگت باد!... من به همه باورها احترام می‌گذارم و به آن بخشی از کمونیست‌ها که به چماق مسلح نباشند و جیب هایشان از قلمو سنگ پر نشده باشد خیلی هم زیاد احترام می‌گذارم.

اما این‌ها چرا به خانم شیرین ننگ می‌فرستند؟! زیرا باورهای این خانم حالا یا به مصلحت روزگار و یا واقعا کمی با باورهای آن‌ها متفاوت است. رئیس کمیته صلح می‌گوید ما جایزه را به یک زن مسلمان ایرانی دادیم... و بر مسلمان بودن تکیه می‌کند و خانم شیرین عبادی می‌گوید اسلام واقعی با دموکراسی همخوانی دارد که البته به نظر من دروغ است! این اسلامی فعلی که متعلق به ۱۴۰۰ سال

آدم هائی را مجبور کرد علامتی بر لباس خود قرار دهند و در قدم بعدی ورود آن‌ها را به جاهای ویژه ای ممنوع کرد!

متأسفانه بسیاری از ماها فقط کسانی را احترام می‌کنیم که باورهای آن‌ها مانند باورهای ما باشد. در آن طرف اروپا سران جمهوری اسلامی با سران دولت های اروپائی بده بستان می‌کنند و ما کاری نداریم؟! ولی همزمان! در آن طرف دیگر اروپا خانم شیرین عبادی از دست رئیس کمیته نوبل جایزه صلح را می‌گیرد و برای زن در جهان، برای زن ایرانی، برای زن مسلمان برای ایران. برای خاورمیانه و برای آسیا افتخار می‌آفریند و ما جمع می‌شویم و در مقابل نگاه حیرت زده